

پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از الگوی مبتنی بر

تحلیل تشخیصی (مطالعه موردی: شهرستان کنگاور)

مژگان فقیری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۱۹

امیرحسین علی بیگی^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۲

فاطمه پور قاسم^۳

مریم تاتار^۴

چکیده

هدف این مطالعه پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور با استفاده از الگوی مبتنی بر تحلیل تشخیصی است. در واقع این مطالعه به خودی خود هدف نیست، بلکه این مطالعه تلاش می‌کند که عوامل مختلفی را کشف کند که بر توانمندسازی زنان روستایی اثر گذار، و بهترین ایجاد کننده تمایز بین زنان روستایی با توانهای متفاوت است. در این راستا، این مطالعه با استفاده از تحلیل تشخیصی به دنبال یافتن معادله‌ای است که توانایی دسته‌بندی زنان روستایی را از نظر توانمندی در سه سطح کم، متوسط و زیاد داشته باشد. این پژوهش کاربردی با روش پیمایشی و از نوع توصیفی - همبستگی به بررسی مسئله پرداخته است. با توجه به حجم جامعه آماری ($N=2899$) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای نمونه‌های مورد مطالعه به شیوه تصادفی و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ($n=339$) انتخاب شد. نتایج مطالعه نشان داد که متغیرهای پیش‌بین کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده در طبقه‌بندی زنان روستایی به سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد نقش داشت.

کلید واژه: توانمندسازی زنان روستایی، الگوی تحلیل تشخیصی و توانمندسازی زنان روستایی، توانمندسازی زنان و پیشرفت اجتماعی در ایران.

۱- دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده کشاورزی
mojgan_faghiri@yahoo.com

۲- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

۳- دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده کشاورزی

۴- دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده کشاورزی

مقدمه و مرور ادبیات

بهبود اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشورهای مختلف در گرو توانمندسازی^۱ افراد است؛ لذا در طول دو دهه گذشته توانمندسازی به یکی از مهمترین مباحث نهادهای توسعه نیروی انسانی تبدیل شده است (کابیر، ۲۰۰۱). از سوی دیگر با توجه به اینکه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان بویژه زنان روستایی یکی از اهداف هزاره سوم توسعه است، توجه به توانمندسازی زنان روستایی برای دستیابی به توسعه ضروری به نظر می‌رسد. در برنامه هزاره سوم توسعه، اهداف دیگری نیز بیان شده است که توانمندسازی زنان روستایی دستیابی به این اهداف را سرعت می‌بخشد. این اهداف عبارت است از: کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود سلامت مادران، رسیدن به تحصیلات ابتدایی عام و فراگیر، مبارزه با ایدز و کاهش فقر (کابیر، ۲۰۰۳). نظر به اینکه در جوامع روستایی ایران همانند سایر کشورهای درحال توسعه، شکاف عمیقی بین زنان و مردان هست (فاطمی و همکاران، ۲۰۱۱) توانمندسازی زنان روستایی در کشورهای جهان سوم نابرابری جنسیتی را کاهش می‌دهد و اوضاع اجتماعی آنان را بهبود می‌بخشد (ایسلام و همکاران، ۲۰۱۲). تجربه‌های مختلف حاکی از این نکته جالب توجه است که زنان از همان تواناییهایی برخوردارند که در مردان وجود دارد و زمانی که فرصتهایی برابر با مردان در اختیار آنان قرار گیرد، می‌توانند به طور مطلوبی به رقابت با مردان بپردازند (فلان و اولدمن، ۲۰۰۷).

در کنفرانس بین‌المللی سال ۱۹۹۰، پنج عنصر برای توانمندسازی زنان در نظر گرفته شد که عبارت است از: زنان احساس خودارزشی نسبت به خویشان داشته باشند؛ حق داشته باشند خودشان انتخاب کنند؛ به فرصتها و منابع دسترسی داشته باشند، هم در درون و هم در بیرون از خانه قدرت کنترل بر زندگی خویش را

داشته باشند؛ توانایی تأثیرگذاری بر تغییرات اجتماعی را داشته باشند به گونه‌ای که بتوانند جامعه‌ای را ایجاد کنند که از نظر اجتماعی و اقتصادی عادل و منصف باشد. (چاکرabortی و بیسواز، ۲۰۰۸). توانمندسازی با درک مفهوم قدرت آغاز می‌شود (لاوسون به نقل از موسکوویچ و دروور^۱، ۲۰۰۱). قدرت، ظرفیت و استعداد برخی از افراد یا سازمانها برای تأثیرگذاری مستقیم و یا غیرمستقیم بر دیگران به منظور رسیدن به خواسته‌های خود است (گروه توانمندسازی کورنل، ۱۹۸۹:۲). منابع زیادی برای قدرت هست که عبارت از شخصیت، ثروت و دارایی است.

تاکنون تعاریف زیادی از توانمندسازی زنان توسط پژوهشگران علوم مختلف شده است به گونه‌ای که هر یک از آنان سعی کرده‌اند این مفهوم را براساس دیدگاه‌های خود تعریف کنند؛ به عنوان مثال دیسون و مور (۱۹۸۳) توانمندسازی زنان را صلاحیت کسب اطلاعات و تصمیم‌گیری درباره علایق شخصی خود و نزدیکانشان می‌دانند؛ این درحالی است که دیکسون (۱۹۷۸) آن را دسترسی و کنترل بر منابع مادی و اجتماعی خانواده تعریف می‌کند. یونیسف (۱۹۹۴) نیز توانمندسازی را معادل رفاه، دسترسی به منابع، افزایش آگاهی و کنترل می‌داند. توانمندسازی، تلاش برای توسعه تواناییها و صلاحیتهایی در فرد به منظور غلبه بر موانع ذهنی و روانی پیش روی وی برای رسیدن به خود تعیینی، خودکارآمدی و توانایی تصمیم‌گیری است (بیکر و همکاران، ۲۰۰۴). زنان توانمند می‌توانند بر منابع و داراییهای مالی، فکری، افکار و آرزوهایشان کنترل داشته باشند (فرناندو، ۱۹۹۷)؛ این بدان معناست که زنان توانمند نه تنها منابع قدرتی را شناسایی می‌کنند که باعث محرومیت آنان شده است، بلکه در تغییر روابط قدرت موجود نیز مداخله می‌کنند (همان). هریک از پژوهشگران و صاحب‌نظران، عوامل

گوناگونی را برای سنجش توانمندسازی زنان روستایی مؤثر دانسته‌اند که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود. هاشمی و همکاران (۱۹۹۶) در تبیین توانمندسازی زنان روستایی عوامل مختلفی را مؤثر دانسته‌اند که عبارت است از: تحرک و پویایی، امنیت اقتصادی، توانایی تصمیم‌گیری در مورد خریدهای کوچک و بزرگ خانواده، مشارکت در تصمیم‌گیریهای خانواده، آزادی از تسلط خانواده، آگاهی سیاسی و اقتصادی، مشارکت در مسائل سیاسی؛ این درحالی است که رحمان و نوروز (۲۰۰۷) معتقدند که عواملی همچون توانایی تصمیم‌گیری زنان در خانواده، توانایی خرید، موقعیت زنان در خارج از منزل، مشارکت اجتماعی و دسترسی به منابع و ثروت در توانمندسازی زنان مؤثر است. ایسلام و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی بنگلادش را بررسی کردند. آنان در مطالعات خویش به این نتیجه دست یافتند که استقلال و قدرت زنان در تصمیم‌گیری و هم‌چنین شرکت در تصمیم‌گیریهای خانوادگی از عواملی است که بر توانمندسازی زنان روستایی مؤثر است.

لانگه (۱۹۹۱) نیز معتقد است که زنان باید پنج مرحله مختلف را به ترتیب طی کنند تا به بالاترین سطح توانمندی برسند: مرحله اول بیانگر پایین‌ترین سطح توانمندی و مرحله پنجم بالاترین سطح توانمندی را نشان می‌دهد. این مراحل عبارت است از:

- ۱ - رفاه: در این مرحله مسائل رفاه مادی زنان مانند وضعیت تغذیه و درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۲ - دسترسی: دسترسی برابر به عوامل تولید (زمین، سرمایه، کار)، آموزش و خدمات در این مرحله مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳ - آگاهی: در این مرحله زنان باید بتوانند نابرابریهای اجتماعی را درک کنند و بدانند که مشکلات و مسائل پیش روی آنان ناشی از بی‌کفایتی آنان نیست، بلکه این سامانه اجتماعی است که این تبعیض‌ها را بر آنان تحمیل کرده است.

۴ - مشارکت: به معنای مشارکت برابر زنان و مردان در تصمیم‌گیری است؛ خواه این تصمیم‌گیریها به مسائل اقتصادی مربوط باشد، خواه سیاسی، اجتماعی و....

۵ - کنترل: افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیریها، به افزایش کنترل آنان بر عوامل تولید و تضمین دسترسی برابر به منابع و توزیع عادلانه آن منجر می‌شود. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت در بین زنان و مردان، و این بدان معناست که هیچ‌کدام از آنان بر دیگری برتری ندارد.

چن (۱۹۹۷) معتقد است که توانمندسازی در نتیجه ایجاد سه نوع تغییر در زنان است که عبارت است از:

- ۱ - تغییرات مادی، نظیر تغییر در درآمد، دسترسی به منابع، کنترل و مالکیت بر منابع، رفع نیازهای اساسی و کسب صلاحیت به منظور استفاده از فرصتها
 - ۲ - تغییرات ادراکی، تغییر در عزت نفس، اعتماد به نفس و آرزوها
 - ۳ - تغییر در روابط، شامل تغییر در تصمیم‌گیریهای خانواده و جامعه، مشارکت در سازمانهای محلی، خوداتکایی و کاهش وابستگی و افزایش استقلال.
- کابیر (۱۹۹۹) بر این باور است که زنانی توانمند به شمار می‌روند که علاوه بر دسترسی به منابع و اعتبارات بر این منابع نیز کنترل داشته باشند و از این منابع برای به وجود آوردن فرصتهای جدید و کسب درآمد استفاده کنند. مالهاترا و همکاران (۲۰۰۳) برای سنجش توانمندسازی زنان روستایی شش بعد را معرفی نموده‌اند که عبارت است از: اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، قانونی، سیاسی،

خانوادگی و روانشناختی. ماسون (۲۰۰۵) نیز عامل اصلی توانمندسازی زنان را توانایی آنان برای کنترل بر سرنوشت خویش می‌داند.

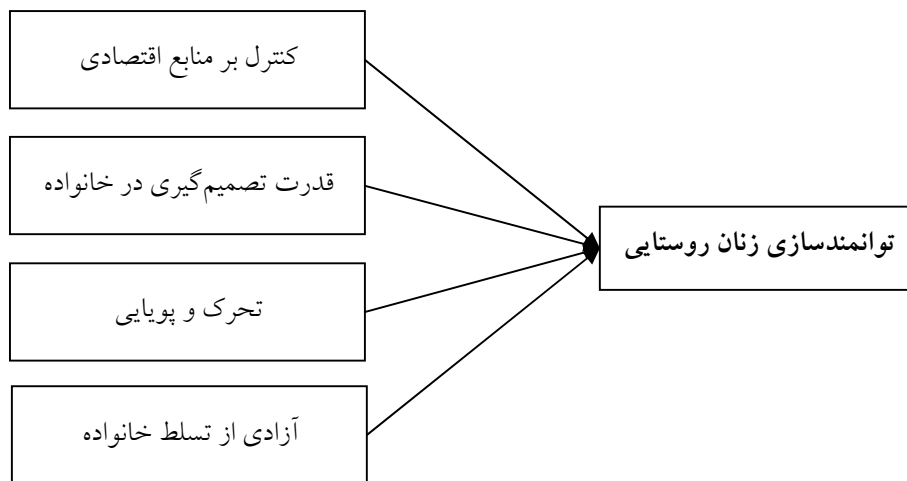
از آنچه تا کنون گفته شد، می‌توان به اهمیت موضوع توانمندسازی زنان روستایی در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران نیز پی برد. حال نکته مهم، توجه به این است که سطح توانمندسازی زنان روستایی چگونه باید اندازه‌گیری شود. از آنجا که پژوهشگران مختلف بر این باورند که توانمندسازی می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی در فرهنگهای مختلف اندازه‌گیری شود، استفاده از شیوه‌های یکسان برای سنجش توانمندی ممکن است نتایج موفقیت‌آمیزی را در پی نداشته باشد. بنابراین سنجش توانمندی در هر منطقه و فرهنگی اندکی متفاوت از دیگر مناطق است (محمود خان به نقل از بیگلی و همکاران^۱، ۲۰۱۰). در این مطالعه به دنبال تبیین متغیرهای متمایز کننده زنان روستایی با توانمندیهای مختلف هستیم. در واقع این مطالعه به خودی خود هدف نیست، بلکه این مطالعه تلاش می‌کند که عوامل مختلفی را کشف کند که بر توانمندسازی زنان روستایی اثرگذار، و بهترین ایجاد کننده تمایز بین زنان روستایی با توانمندیهای متفاوت است. در این راستا، این مطالعه با استفاده از تحلیل تشخیصی به دنبال یافتن معادله‌ای است که توانایی دسته‌بندی زنان روستایی را از نظر توانمندی در سه سطح کم، متوسط و زیاد داشته باشد افزون بر آنکه با فرهنگ جوامع روستایی ایران نیز تا حد امکان سازگار باشد.

به منظور سنجش توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور نه تنها از مرور ادبیاتی که به آن اشاره شد، استفاده گردید، بلکه هم‌چنین از نتایج مطالعه‌ای که فقیری (۱۳۹۰) در ارتباط با توانمندسازی زنان روستایی عضو صندوقهای اعتبارات خرد استان کرمانشاه انجام داده بود، بهره گرفته شد. از آنجا که زنان

1 - Beegle et al

روستایی شهرستان کنگاور جزء جامعه آماری این پژوهش بودند و هم‌چنین این مطالعه اعتبار الگوی مورد استفاده در پژوهش خود را با استفاده از تحلیل عاملی تأیید و به اثبات رسانده بود در تدوین چارچوب این مطالعه به میزان زیادی از نتایج آن پژوهش استفاده شد. در چارچوب مفهومی این مطالعه، کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و هم‌چنین آزادی از تسلط خانواده به عنوان عواملی در نظر گرفته شد که به نظر می‌رسد در ایجاد تمایز و تفکیک زنان روستایی از نظر سطوح توانمندی مؤثر باشد (شکل ۱). بر این اساس، هدف کلی این پژوهش پیش‌بینی توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور با استفاده از الگوی مبتنی بر تحلیل تشخیصی، و اهداف اختصاصی آن عبارت است از:

- ۱ - بررسی ویژگی‌های فردی زنان روستایی شهرستان کنگاور
- ۲ - بررسی میزان توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور
- ۳ - بررسی عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

مواد و روشها

این مطالعه به عنوان پژوهشی کاربردی با روش پیمایشی و از نوع توصیفی - همبستگی به بررسی مسئله پرداخته است. با توجه به حجم جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای نمونه‌های مورد مطالعه به شیوه تصادفی انتخاب شد. بدین دلیل ابتدا از پنج دهستان شهرستان کنگاور، که به لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی تا حد قابل ملاحظه‌ای یکسان است، سه دهستان انتخاب شد. این دهستانها عبارت بود از دهستان قزوینه، دهستان فش و دهستان خزل غربی و سپس از هر دهستان چند روستا انتخاب شد و در نهایت کار به انتخاب نمونه‌های تصادفی از بین زنان متأهل روستایی منتهی شد (N=۲۸۹۹). با استفاده از جدول کرجسی و مورگان حجم نمونه ۳۳۹ نفر برآورد گردید. در جدول (۱) حجم نمونه در هریک از دهستانها برحسب تناسب درصدی با توجه به تعداد زنان متأهل در هریک از دهستانها مشخص شده است.

جدول شماره ۱: حجم و میزان نمونه منتخب در هر دهستان

جمع	فش	خزل غربی	قزوینه	
۲۸۹۹	۱۳۴۱	۱۱۷۲	۳۸۶	جمعیت
۳۳۹	۱۵۷	۱۳۷	۴۵	نمونه

(منبع: یافته‌های پژوهش)

به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته‌ای استفاده شد که در پنج بخش طراحی شده بود. بخشهای مختلف پرسشنامه عبارت است از: ویژگیهای دموگرافیکی، کنترل بر منابع اقتصادی (کنترل بر: خرید روزانه، خرید اقلام گرانبیامت، خرید هدیه، استفاده از پس انداز، خرید لباس، فروش یا تعویض اموال، خرید دارو و کنترل بر منابع باارزش خانواده)، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (تصمیم‌گیری درباره بهداشت و سلامت خانواده، خریدهای بزرگ خانواده، دیدار

اقوام، تحصیل فرزندان، تعداد فرزندان)، تحرک و پویایی (آزادی برای رفت و آمد به بازارهای محلی، منزل اقوام و آشنایان، روستاها و شهرهای مجاور، مجالس روضه‌خوانی، مراکز بهداشت و درمان) و آزادی از تسلط خانواده (آزادی از تسلط خانواده برای کارهای مورد علاقه خود مثل بیرون رفتن از خانه در مواقع دلخواه، دیدار والدین در مواقعی که فرد خود بخواهد) بود. پرسشنامه پس از آزمون اولیه و اعمال اصلاحات لازم با استفاده از ضرایب آلفا مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار گرفت. در مجموع سطح $0/75$ برای آلفا از پایایی قابل قبول پرسشنامه حکایت داشت. هم‌چنین به منظور بررسی روایی پرسشنامه از نظرات اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی بهره گرفته شد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش، SPSS18 بود که داده‌ها را با استفاده از تحلیل تشخیصی گام به گام برای به دست آوردن معادله‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که توان پیشگویی سطوح توانمندی زنان روستایی را داشته باشد. در روش گام به گام متغیرها بر اساس میزان اهمیتشان در طبقه‌بندی زنان روستایی از نظر توانمندی وارد تحلیل می‌شود. برای این منظور نرم‌افزار SPSS، متغیری را که دارای بیشترین میزان F و کمترین میزان لامبدای ویلکز باشد به تحلیل وارد می‌سازد. این تحلیل در نهایت معادله‌ای را به دست می‌دهد که از ترکیبی از متغیرهای پیشگو تشکیل شده است که برای طبقه‌بندی موارد (کیس‌ها) در گروه‌های مختلف به کار می‌رود. در این مطالعه، موارد، زنان روستایی هستند که قرار است در سه طبقه توانمندی کم، متوسط و زیاد دسته‌بندی شوند. متغیرهای پیشگو نیز عبارت است از: کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی این مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر جامعه مورد مطالعه (۷۶/۶) در دامنه سنی ۴۷ - ۱۸ سال قرار دارند که میانگین سن آنها تقریباً ۳۸ است. بنابراین می‌توان گفت که زنان روستایی مورد مطالعه غالباً در سنین میانسالی هستند (جدول ۲).

جدول ۲: توزیع فراوانی زنان روستایی بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۸-۳۲	۱۳۳	۳۹/۱	۳۹/۱
۳۳-۴۷	۱۲۷	۳۷/۵	۷۶/۶
۴۸-۶۲	۷۴	۲۱/۹	۹۸/۵
۶۳-۷۷	۵	۱/۵	۱۰۰
کل	۳۳۹	۱۰۰	-

میانگین = ۳۸/۱۶ انحراف معیار = ۱۱/۷۶ کمترین = ۱۸ بیشترین = ۷۵

(منبع: یافته‌های پژوهش)

توزیع فراوانی سطح سواد زنان روستایی نشان می‌دهد که ۱۸ درصد از آنان بیسواد، ۵۰/۸ درصد ابتدایی، ۲۳/۴ درصد دبیرستان، و تنها ۷/۸ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند (جدول ۳).

جدول ۳: توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بیسواد	۶۱	۱۸	۱۸
ابتدایی	۱۷۲	۵۰/۸	۶۸/۸
دبیرستان	۸۰	۲۳/۴	۹۲/۲
دانشگاهی	۲۶	۷/۸	۱۰۰
کل	۳۳۹	۱۰۰	-

(منبع: یافته‌های پژوهش)

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد به منظور سنجش توانمندسازی زنان روستایی از متغیرهایی همچون کنترل بر منابع اقتصادی (۸ سؤال با طیف امتیازبندی از ۱ تا ۴)، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (۸ سؤال با طیف امتیازبندی از ۱ تا ۴)، تحرک و پویایی (۸ سؤال با طیف امتیازبندی از ۱ تا ۴) و آزادی از تسلط خانواده (۳ سؤال با طیف امتیازبندی از ۱ تا ۴) استفاده شد. در ادامه به منظور بررسی میزان توانمندی زنان روستایی از مجموع امتیازاتی استفاده شد که در هریک از این بخشها به دست آمده بود. آن‌گاه دامنه امتیازات (با استفاده از حداقل و حداکثر امتیاز) محاسبه شد. از این دامنه امتیازات برای طبقه‌بندی زنان روستایی در سه طبقه توانمندی کم، متوسط و زیاد استفاده شد (جدول ۴).

جدول ۴: توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس سطح توانمندی

سطوح توانمندی	دامنه امتیازات	تعداد زنان روستایی
توانمندی کم	۴۳-۶۴	۴۸
توانمندی متوسط	۶۴-۸۵	۲۲۲
توانمندی زیاد	۸۵-۱۰۶	۶۹
کمترین=۴۳	بیشترین=۱۰۶	دامنه=۲۱

یکی از مهمترین اهدافی که تحلیل تشخیصی دنبال می‌کند، یافتن ابعادی در درون گروه‌های متفاوت است به گونه‌ای که بتوان با اطمینان آنها را از یکدیگر جدا کرد؛ به عبارت دیگر تحلیل تشخیصی، متغیرهای مستقلی را مشخص می‌کند که بهترین ایجاد کننده تمایز بین گروه‌های مختلف زنان روستایی است. این تحلیل در نهایت معادله‌ای را به دست می‌دهد که با قرار دادن ویژگیهای زنان روستایی می‌توان آنها را در گروه‌های با توانمندی کم، متوسط و زیاد قرار داد. بنابراین در ادامه از داده‌های جدول برای تحلیل تشخیصی گام به گام بهره گرفته شده است. در واقع ما

با تحلیل تشخیصی به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که کدام یک از متغیرهای پیش‌بین، تفاوت معنی‌داری را بین میانگین گروه‌های زنان روستایی با توانمندی کم، متوسط و زیاد ایجاد می‌کند. در روش گام به گام متغیرها بر اساس میزان اهمیتشان در طبقه‌بندی زنان روستایی از نظر توانمندی وارد تحلیل می‌شود. برای این منظور، نرم افزار SPSS به ترتیب در هر مرحله متغیرهایی را به تحلیل اضافه می‌کند که دارای بیشترین میزان F و کمترین میزان لامبدا و یلکز باشند. این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که تمام متغیرهایی که اثر معناداری در تفکیک گروه‌ها دارند به تحلیل وارد شوند. به طور کلی، حداکثر میزان F برای ورود یک متغیر به تحلیل در هر مرحله ۳/۸۴ و حداقل آن ۲/۷۱ در نظر گرفته شده است. بنابراین با توجه به این معیار، نتایج مطالعه (جدول ۵) نشان داد که تمام متغیرهای مستقل (کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده) در طبقه‌بندی زنان روستایی به سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۵: آزمون برابری میانگین گروه‌ها

SIG.	DF1	DF2	F	WILKS' LAMBDA	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۰	۱۲۵	۲	۸۹/۰۷	۰/۴۱۲	کنترل بر منابع اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۲۵	۲	۴۴/۸۱	۰/۵۸۲	قدرت تصمیم‌گیری در خانواده
۰/۰۰۰	۱۲۵	۲	۴۹/۳۱	۰/۵۵۹	تحرک و پویایی
۰/۰۰۰	۱۵	۲	۴۴/۴۹	۰/۵۸۴	آزادی از تسلط خانواده

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۵ نشان می‌دهد که بین میانگین توانمندی زنان روستایی در سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد برای تمام متغیرهای پیش‌بین (کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط

خانواده) تفاوت معناداری هست؛ به عبارت دیگر، تمام متغیرهای مستقل در این پژوهش در تفکیک زنان روستایی به سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد مؤثر بوده است. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، متغیری که بیشترین میزان F و کمترین میزان لامبدای ویلکز را داشته باشد، متغیر مهمتری در ایجاد تمایز بین گروه‌های مختلف است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در این مطالعه متغیرهای کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده به ترتیب دارای اهمیت بیشتری در تفکیک گروه‌های زنان روستایی با توانمندی کم، متوسط و زیاد هستند.

جدول (۶) ضرایب متغیرهای پیش‌بین را در هر یک از توابع تشخیصی نشان می‌دهد. گروه ۱ زنان روستایی با توانمندی کم، گروه ۲ زنان روستایی با توانمندی متوسط و گروه ۳ زنان روستایی با توانمندی زیاد را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ضرایب متغیرهای پیش‌بین در هر یک از توابع تشخیص

متغیرهای پیش‌بین	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳
کنترل بر منابع اقتصادی	۱/۴۷	۲/۱۱	۲/۷۴
قدرت تصمیم‌گیری در خانواده	۱/۹۵	۲/۲۲	۲/۷۸
تحرک و پویایی	۱/۳۳	۱/۸۱	۲/۲۴
آزادی از تسلط خانواده	۱/۵۲	۲/۶۱	۲/۹۲
ضریب ثابت	-۴۵/۸۸	-۷۸/۶۱	-۱۲۱/۹۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

تابع تشخیصی، ضرایب را برای هر طبقه مشخص می‌سازد. با استفاده از این ضرایب می‌توان به نوشتن معادله اقدام کرد. همانند معادله رگرسیون در این معادلات نیز یک ضریب ثابت وجود دارد. در ادامه معادلات مربوط به هریک از طبقات توانمندی ارائه می‌شود:

X_1 = کنترل بر منابع اقتصادی

X_2 = قدرت تصمیم‌گیری در خانواده

X_3 = تحرک و پویایی

X_4 = آزادی از تسلط خانواده

گروه ۱ = زنان روستایی با توانمندی کم، گروه ۲ = زنان روستایی با توانمندی متوسط، گروه ۳ = زنان روستایی با توانمندی زیاد

$$\text{گروه ۱} = 1/47 X_1 + 1/95 X_2 + 1/33 X_3 + 1/52 X_4 - 45/88$$

$$\text{گروه ۲} = 2/11 X_1 + 2/22 X_2 + 1/81 X_3 + 2/61 X_4 - 78/61$$

$$\text{گروه ۳} = 2/74 X_1 + 2/78 X_2 + 2/24 X_3 + 2/92 X_4 - 121/90$$

شیوه استفاده از این معادلات برای دسته‌بندی زنان روستایی به گروه‌های با توانمندی کم، متوسط و زیاد به این صورت است که ابتدا امتیازاتی را که هر پاسخگو در متغیرهای پیش‌بین کسب کرده است، وارد معادلات می‌کنیم و در نهایت جواب معادلات را به دست می‌آوریم؛ آن‌گاه به جوابها نگاه می‌کنیم؛ هر معادله‌ای که مقدار عددی بیشتری را نشان داد، نشان‌دهنده این است که پاسخگوی مورد نظر به آن گروه متعلق است؛ به عنوان مثال پاسخگوی شماره ۱ در متغیر پیش‌بین کنترل بر منابع اقتصادی ۲۲ امتیاز، در متغیر پیش‌بین قدرت تصمیم‌گیری در خانواده ۲۴ امتیاز، در متغیر پیش‌بین تحرک و پویایی ۲۶ امتیاز و در متغیر پیش‌بین آزادی از تسلط خانواده ۱۱ امتیاز را کسب نموده است؛ لذا معادله‌ها را با استفاده از این اعداد حل می‌کنیم:

$$\text{گروه ۱} = (1/47 \times 22) + (1/95 \times 24) + (1/33 \times 26) + (1/52 \times 11) - 45/88$$

$$\text{گروه ۲} = (2/11 \times 22) + (2/22 \times 24) + (1/81 \times 26) + (2/61 \times 11) - 78/61$$

$$\text{گروه ۳} = (2/74 \times 22) + (2/78 \times 24) + (2/24 \times 26) + (2/92 \times 11) - 121/90$$

در نتیجه جواب معادلات عبارت است از:

$$۱ \text{ گروه} = ۸۴/۵۶$$

$$۲ \text{ گروه} = ۹۶/۸۶$$

$$۳ \text{ گروه} = ۹۵/۴۶$$

بر این اساس پاسخگوی مورد نظر به گروه زنان روستایی با توانمندی متوسط (گروه ۲) تعلق دارد.

در جدول (۷) نیز تعداد افرادی که درست و نادرست طبقه‌بندی شده، نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۹۶ درصد از موارد به درستی طبقه‌بندی شده است.

جدول ۷: نتایج طبقه‌بندی زنان روستایی در گروه‌های توانمندی کم، متوسط و زیاد

کل	پیش‌بینی عضویت گروهی			گروه‌ها	
	گروه ۳	گروه ۲	گروه ۱		
۴۸	۰	۶	۴۲	گروه ۱	تعداد
۲۲۲	۰	۲۲۲	۰	گروه ۲	
۶۹	۶۱	۸	۰	گروه ۳	
۱۰۰	۰	۱۱/۱	۸۸/۹	گروه ۱	درصد
۱۰۰	۰	۱۰۰	۰	گروه ۲	
۱۰۰	۸۸/۵	۱۱/۵	۰	گروه ۳	

در مجموع ۹۶/۱ درصد از موارد بدرستی طبقه‌بندی شده است.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول (۶) نشان می‌دهد که از ۴۸ نفری که در طبقه زنان روستایی با توانمندی کم قرار گرفته‌اند حدود ۸۹ درصد بدرستی طبقه‌بندی شده است و تنها ۶ نفر (۱/۱ درصد) به طور اشتباه در گروه زنان با توانمندی متوسط قرار گرفته‌اند؛ این درحالی است که در گروه دوم یعنی زنان با توانمندی متوسط ۱۰۰ درصد موارد بدرستی

طبقه‌بندی شده است. اما در گروه سوم، که شامل زنان روستایی با توانمندی زیاد است ۸۸/۵ درصد از موارد درست طبقه‌بندی شده و ۱۱/۵ درصد نیز اشتباهاً در گروه دوم (زنان با توانمندی متوسط) قرار گرفته است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که معادله‌ای که بر اساس نتایج این پژوهش ارائه شده است به احتمال ۹۶ درصد می‌تواند زنان روستایی را بدرستی در سه طبقه توانمندی کم، متوسط و زیاد با استفاده از متغیرهای پیش‌بین کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده دسته‌بندی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف یافتن معادله‌ای که توانایی دسته‌بندی زنان روستایی را در سه طبقه توانمندی کم، متوسط و زیاد داشته باشد در شهرستان کنگاور انجام شد که برای این منظور از تحلیل تشخیصی گام به گام بهره گرفته شد. در روش گام به گام، نرم‌افزار SPSS، متغیرهای پیش‌بین را بر اساس میزان اهمیتی که در تفکیک زنان روستایی به سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد دارند، وارد تحلیل می‌کند. نتایج پژوهش نشان داد که تمام متغیرهای پیش‌بین (کنترل بر منابع اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، تحرک و پویایی و آزادی از تسلط خانواده) در طبقه‌بندی زنان روستایی به سه گروه توانمندی کم، متوسط و زیاد نقش دارد.

اولین عامل، که بیشترین تأثیر را در طبقه‌بندی زنان روستایی دارد، کنترل بر منابع اقتصادی بود. کنترل بر منابع اقتصادی به این معناست که زنان بتوانند درباره منابع مالی خانواده تصمیم‌گیری کنند. زنانی که بتوانند کنترل بیشتری بر منابع مالی خانواده داشته باشند از استقلال مالی بیشتری برخوردار می‌شوند و در نتیجه از نظر اقتصادی توانمندتر می‌شوند. برخی از مطالعات نیز کنترل بر منابع مالی را از عواملی

برشمرده‌اند که تأثیر مثبتی را بر توانمندسازی زنان روستایی برجای می‌گذارد (جی‌جی‌بی و ستار، ۲۰۰۱؛ پروین، ۲۰۰۵؛ استیل و همکاران، ۱۹۹۸).

میزان مشارکت و قدرت زنان روستایی در تصمیم‌گیریهای خانواده از دیگر عواملی بود که در این مطالعه به عنوان عوامل اثرگذار در توانمندسازی زنان روستایی مطرح شد. مداخله و مشارکت زنان در مباحث مختلف درون خانواده موجب می‌شود که آنان توانایی بیان دیدگاه‌های مختلف و در نتیجه آزادی بیان داشته باشند که این عوامل همگی از وجوه توانمندی است (رحمان و همکاران، ۲۰۰۸)؛ به عبارت دیگر چنانچه زنان روستایی بتوانند با اعضای خانواده ارتباط برقرار، و دیدگاه‌ها و نظر خویش را مطرح کنند، فضایی که عدالت و انصاف در آن حکمفرماست در درون خانواده ایجاد می‌شود که در نهایت توانمندسازی زنان را به دنبال خواهد داشت. بسیاری از پژوهشگران نیز مشارکت در تصمیم‌گیریهای درون خانواده را از وجوه توانمندسازی برشمرده‌اند (استیل و همکاران، ۱۹۹۸؛ کیشور، ۲۰۰۰).

تحرك و پویایی به معنای آزادی زنان برای بیرون رفتن از منزل در مواقع مورد نیاز از دیگر عواملی بود که نتایج مطالعه نشان داد که در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر است. چنانچه زنان بتوانند به مکانهای مختلف بروند و اجازه حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی را داشته باشند، بهتر و بیشتر می‌توانند برای زندگی خود تصمیم بگیرند (علی و سلطان، ۱۹۹۹). در این راستا پژوهشگرانی همچون استیل و همکاران (۱۹۹۸)، جی‌جی‌بی و ستار (۲۰۰۱) تحرك و پویایی را از عوامل مهم در توانمندسازی زنان روستایی برشمرده‌اند.

هم‌چنین نتایج این مطالعه نشان داد که آزادی از تسلط خانواده از عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی است. زنانی که تحت تسلط خانواده خویش هستند، نمی‌توانند بر اساس خواست و علایق خود تصمیم بگیرند و یا حتی آن‌گونه که

خود تمایل دارند، زندگی کنند. همان‌گونه که پیشتر هم گفته شد، انتخاب بر اساس خواست خود و قدرت تصمیم‌گیری برای آینده خویش از وجوه اصلی توانمندسازی به شمار می‌رود. به علاوه نتایج برخی از مطالعات نیز (نادا، ۲۰۱۱، هاشمی و همکاران، ۱۹۹۶؛ جی‌جی‌بی و ستار، ۲۰۰۱) این یافته را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

در انتها با توجه به اینکه مهمترین و تأثیرگذارترین عواملی که موجب توانمندسازی زنان روستایی می‌شود، مشخص شد، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه کنترل بر منابع اقتصادی تأثیرگذارترین متغیر در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور بود؛ به مسئولان دفتر امور زنان روستایی پیشنهاد می‌شود که با اعطای وامهای خرد و ارائه آموزشهای شغلی و کارآفرینانه به زنان روستایی، امکان اشتغالزایی و کسب درآمد را برای آنان فراهم سازند تا از این رهگذر بتوان بستر مناسبی را برای رسیدن به کنترل بیشتر زنان روستایی بر منابع اقتصادی فراهم کرد.

- نظر به اینکه میزان مشارکت و قدرت زنان روستایی در تصمیم‌گیریهای خانواده، تحرک و پویایی و همچنین آزادی آنان از تسلط خانواده از دیگر عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کنگاور به شمار می‌رود به مسئولان دفتر امور زنان روستایی پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاههای آموزشی، زنان روستایی را نسبت به حقوق خود آگاه کنند. این کارگاهها باید با ارائه آموزشهایی به زنان روستایی، اعتماد به نفس آنان را برای کنترل بر زندگی خویش، توانایی مشارکت در خانواده و جامعه افزایش دهد.

منابع

- ۱- فقیری، مژگان (۱۳۹۰)، بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده کشاورزی، گروه ترویج و توسعه روستایی.
- ۱- Ali, M. and M. Sultan (1999), Socio-cultural constraints and women's decision-making power regarding reproductive behavior, *Pakistan Development Review* 38(4): 686-689.
- ۲- Becker, J., A.C. Kovach, D.L. Gronseth (2004), Individual empowerment: How community health workers operationalize self-determination, self-sufficiency, and decision-making abilities of low-income mothers, *Journal of Community Psychology*, 32(3), 327-342.
- ۳- Chakrabarti. C. S. and K. Biswas (2008), Women empowerment, household condition and personal characteristics: their interdependencies in developing countries". Discussion Paper ERU/2008 - 01, February 8, 2008.
- ۴- Chen, M (1997). Conceptual model for women's empowerment, Unpublished.
- ۵- Cornell Empowerment Group (1989). Empowerment and family support. *Networking Bulletin*, 1(1)2.
- ۶- Dixon, M.R. (1978), *Rural women at work: Strategies for development in South Asia*. Baltimore: Published for resources for the future, Johns Hopkins Press.
- ۷- Dyson, T. and M. Moore (1983), on kinship structure, female autonomy, and demographic behavior in India, *Population and Development Review* 9(1): 35-60.
- ۸- Fatemi, I., H. Razeghi, M.R. Rezaei, L. Vahedi (2011), The importance of rural women empowerment in rural development, *Advances in Environmental Biology*, 5(9): 2989-2993.
- ۹- Fernando, J.L. (1997), Nongovernmental organizations, micro-credit, and empowerment of women, *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 554: 150-177.
- ۱۰- Flann, DK, L. Oldham (2007), Women's economic activities in Jordan; research findings on women's participation in micro enterprise, and the Formal Sector, A project report submitted to the office of Women in Development, Bureau for Global

Programmes, Field Support and Research, U.S. Agency for International Development.

- ۱۱-Hashemi, S, M. Sidney, R. Schuler, A. P. Riley (1996), Rural credit programs and women's empowerment in Bangladesh, *World Development* 24(4):635—653.
- ۱۲-<http://www.sida.se/shared/jsp/download.jsp?f=SidaStudies+No3.pdf&a=2080>
- ۱۳-Islam, N., A. Ezaz, J. Chew, B. D'Netto (2012), Determinants of empowerment of rural women in Bangladesh, *World Journal of Management*, Vol. 4. No.2. September 2012: 36 – 56.
- ۱۴-Jejeebhoy, S. J, Z. A. Sathar (2001), Women's autonomy in India and Pakistan. The influence of religion and region, *Population and Development Review* 27 (4): 687-712.
- ۱۵-Kabeer, N (1999), Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment, *Development and Change*, 30, 435– 464.
- ۱۶-Kabeer, N (2001), Reflections on the measurement of women's empowerment in Sisask, *Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice*, pp. 17–57, Stockholm: Sida
- ۱۷-Kabeer, N(2003), Gender equality, poverty eradication and the millennium development goals: promoting women's capabilities and participation, www.unescap.org/esid/committee2003/genderequality.pdf
- ۱۸-Kishor, S (2000), Empowerment of women in Egypt and link to the survival and health of their infants, H.B. Presser, and G. Sen, (eds.) *women's empowerment and demographic processes*. New York: Oxford University Press: 119-156.
- ۱۹-Lawson, A (2001), Freedom to be one's Self: appalachian women's perspectives on empowerment, Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science In Human Development. May 11, 2001, Blacksburg, Virginia.
- ۲۰-Longwe, S.H (1991), Gender awareness: the missing element in the third world development project, In *Oxfam Changing Perceptions*, Writings on Gender and Development.
- ۲۱-Mahmood Khan, T (2010), Socio-Cultural determinants of women's empowerment in Punjab, Pakistan, Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in rural sociology department of rural sociology faculty

tyofagriculturalereconomics&

ruralsociologyuniversityofagricultureFaisalabadPakistan.

- ۲۲- Malhotra, A., S. Schüler, C. Boender (2003), Measuring women's empowerment as a variable in international development, Paper presented at the International Council for Research on Women (ICRW) Insight and Action Seminar, Washington, DC 12 November 2003.
- ۲۳- Mason, K.O (2005), Measuring women's empowerment: learning from cross national research, in D. Narayan-Parker (ed.), Measuring empowerment: crossdisciplinary perspectives, Washington, DC: World Bank: 89-102.
- ۲۴- Nada, G. (2011), Gender Scales, Washington, DC: FHI 360/C-Change.
- ۲۵- Parveen, S (2005), Empowerment of rural women in Bangladesh: A household level analysis, W. Doppler, and S. Bauer, (eds.) Farming and rural systems economics. volume 72, Margraf Publishers, Weikersheim.
- ۲۶- Rahman, M., S. Abedin, K. Zaman, N. Islam (2008), Women's empowerment and reproductive health: Experience from Chapai Nawabganj District in Bangladesh, Pakistan Journal of Social Science 5(9):883-888.
- ۲۷- Rahman. M, K. Naoroze (2007), Women empowerment through participation in aquaculture: Experience of a Large-scale Technology Demonstration Project in Bangladesh, Journal of Social Science 3(4): 164-171.
- ۲۸- Steele, F., S. Amin, R. Naved (1998), The impact of an integrated micro-credit programme on women's empowerment and fertility behavior in rural Bangladesh, Population Council working papers No. 115: 1-43.
- ۲۹- United Nations Children's Fund (UNICEF), (1994), The women's equality and Empowerment Framework, Available on-line at: www.unicef.org/programme/gpp/policy/ernpower.html.